



دانشکده معماری و هنر
گروه معماری

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته معماری، گرایش معماری

«طراحی مجموعه مسکونی با رویکرد خلوت و قلمروپایی»

دانشجو

بهرروز مستقیم

اساتید راهنما

دکتر حمزه غلامعلی زاده

مهندس محمدرضا فاروقی

تابستان 1392

به دنبال رشد فزاینده شهرنشینی در دهه‌های اخیر در ایران و به ویژه در شهرهای بزرگ کشور نظیر تبریز، تامین مسکن به یکی از مهمترین مسائل کشور تبدیل شده‌است. نکته‌ای که در بررسی روند ایجاد مجموعه‌های مسکونی در ایران و خصوصاً شهر تبریز مشاهده می‌گردد، این است که همواره از توجه به اصول و معیارهای روان‌شناختی در برنامه‌ریزی و طراحی مجموعه‌های مسکونی کاسته شده و این گونه مساکن از ایجاد محیط‌های مسکونی مطلوب برای پاسخ به نیازهای رفتاری ساکنین، فاصله گرفته‌اند و امکان آسیب‌های روان‌شناختی به ساکنین در این محیط‌ها، افزایش یافته‌است. تحقیق حاضر، پس از بررسی و بیان مشکلات مربوط به محیط‌های سکونتی در شهر تبریز، به شناخت ابعاد و معیارهای برنامه‌ریزی و طراحی مجموعه‌های مسکونی پرداخته و با تاکید بر معیارهای روان‌شناختی، نگاه ویژه‌ای به نیاز ساکنین به خلوت و قلمروپایی برای رسیدن به خودشناسی و زیبایی شناسی داشته‌است. در فرآیند این بررسی، عوامل موثر در مطلوبیت مجموعه‌های مسکونی نظیر آسایش و آرامش، هویت، سرزندگی، دسترسی، نظم و امنیت عنوان شده و با نگاه به الگوهای طراحی مجموعه‌های مسکونی در عصر حاضر و با توجه به مصادیق اجرا شده در داخل و خارج کشور، معیارهای برنامه‌ریزی و احکام طراحی مرتبط استخراج شد. پس از تبیین مبانی برنامه‌ریزی نظیر اقلیم و فرم بنا در منطقه، فرهنگ و اقتصاد غالب و برنامه‌ریزی کالبدی، در طراحی مجموعه مسکونی مورد نظر در شهر تبریز، تلاش بر استفاده از این احکام و معیارها بود. در طراحی و ساخت مجموعه‌های مسکونی، رعایت این اصول و تامین فضایی مناسب برای زندگی و پاسخ به نیازهای روان‌شناختی افراد، می‌تواند فضاهای جدید را به محیط‌های مسکونی مطلوب تبدیل کند.

کلید واژه‌ها: سکونت، مجموعه مسکونی، خلوت، قلمروپایی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فهرست جدول ها	ج
فهرست شکل ها	د
مقدمه ۱	
فصل ۱- کلیات پژوهش	
۱-۱- بیان مسئله و ضرورت تحقیق	۲
۲-۱- فرضیات	۱۶
۳-۱- سؤالات	۱۶
۴-۱- هدف تحقیق	۱۶
۵-۱- روش تحقیق	۱۷
۶-۱- پیشینه تحقیق	۱۷
فصل ۲- مبانی نظری	
۱-۲- سکونت	۱۸
۱-۱-۲- احراز هویت	۱۸
۲-۱-۲- حس تعلق به مکان	۲۰
۳-۱-۲- ادراک	۲۵
۲-۲- مسکن	۲۶
۳-۲- مجموعه مسکونی	۳۲
۱-۳-۲- علت وجود مجموعه‌های مسکونی و عوامل ضروری این محیط‌ها	۳۲
۲-۳-۲- محله	۳۴
۳-۳-۲- عوامل موثر در مطلوبیت مجموعه مسکونی	۳۶
عامل اول؛ آسایش درون خانه (فیزیکی):	۳۶
عامل دوم؛ بازی‌پذیری فضاهای باز و چندمنظوره برای کودکان:	۳۷
عامل سوم؛ هویت اجتماعی:	۳۸
عامل چهارم؛ نظم اجتماعی:	۳۸
کنترل اشرافیت در واحدهای مسکونی:	۴۰
شبکه دسترسی:	۴۰
۴-۲- الگوهای طراحی مجموعه‌های مسکونی	۴۱
۱-۴-۲- الگوهای عام اولیه	۴۱
۲-۴-۲- مفهوم الگویی محله	۴۱
۳-۴-۲- واحد همسایگی (مجموعه مسکونی خوداتکا)	۴۲
۴-۴-۲- نقد الگوی «واحد همسایگی»	۴۴

۴۵.....	۵-۴-۲	الگوهای جایگزین «واحد همسایگی»
۴۶.....	۶-۴-۲	مجموعه‌های مسکونی برنامه‌ریزی‌شده
۴۶.....	۷-۴-۲	محلله‌های مسکونی سنتی جدید
۴۷.....	۸-۴-۲	مجموعه‌های مسکونی پیاده و دهکده‌های شهری
۴۸.....	۵-۲	خلوت
۴۸.....	۱-۵-۲	خلوت در معماری
۴۹.....	۲-۵-۲	خلوت و نظریه
۵۱.....	۳-۵-۲	خلوت و فضا
۵۳.....	۶-۲	قلمروپایی
۵۴.....	۷-۲	پیشینه تحقیق
۵۵.....	۸-۲	جمع‌بندی
۵۵.....	۱-۸-۲	مقایسه و تحلیل الگوهای طراحی
۵۶.....	۲-۸-۲	خلوت و قلمرو
۵۸.....	۳	فصل ۳- مبانی برنامه‌ریزی
۵۸.....	۱-۳	مطالعات معماری منطقه
۵۸.....	۱-۱-۳	اقلیم
۵۹.....	۲-۱-۳	فرم بنا
۶۱.....	۳-۱-۳	فرهنگ و اقتصاد
۶۲.....	۲-۳	احکام برنامه
۶۳.....	۳-۳	برنامه‌ریزی کالبدی
۶۵.....	۱-۳-۳	سرانه، تراکم و فضاهای مورد نیاز
۶۵.....	۲-۳-۳	سازه و تاسیسات
۶۷.....	۴	فصل ۴- فرآیند طراحی
۶۷.....	۱-۴	بررسی مصادیق داخلی و خارجی
۶۷.....	۱-۱-۴	مجتمع هبیتات ۶۷- موشه سفدی
۶۹.....	۲-۱-۴	مجتمع لیندن استراسه- هرمن هرتزبرگر
۷۱.....	۳-۱-۴	محلله مسکونی رادبرن- هنری رایت و کلارنس اشتاین
۷۳.....	۴-۱-۴	محلله مسکونی نارمک تهران- معماران آلمانی (بازیل و گورگن)
۷۵.....	۲-۴	استخراج تکنیک‌ها و راهکارهای طراحی
۸۰.....	۳-۴	آلترناتیوهای طراحی
۸۲.....	۴-۴	مسیرهای دسترسی به سایت
۸۴.....	۵-۴	نقشه‌ها، نتیجه‌گیری و پیشنهادات آتی
۵۵۵۵.....		فهرست مراجع

فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۳۰	جدول ۱-۲- گونه‌بندی مسکن بر اساس تراکم.....
۶۵	جدول ۱-۳- فضاهای مورد نیاز در کل مجموعه مسکونی.....

فهرست شکل‌ها

عنوان	صفحه
شکل ۱- ناهمگونی بناهای بلندمرتبه مسکونی (مجموعه مسکونی برجهای آسمان تبریز) با بافت شهری اطراف.....	۴
شکل ۲- تکرار بیش از اندازه واحدهای مسکونی همسان منجر به یکنواختی.....	۴
شکل ۳- فضای سبز و پارک شهرک شهید بهشتی تبریز.....	۵
شکل ۴- طراحی نامناسب در مسکن انبوه و تنزل در کیفیت و نبود هویت و شناسه.....	۶
شکل ۵- نمای بدنه جنوبی شهرک شهید بهشتی تبریز.....	۷
شکل ۶- نمای بدنه یکی از کوچه‌های فرعی شهرک شهید بهشتی تبریز.....	۸
شکل ۷- مسیر اصلی سواره و پیاده شهرک شهید بهشتی تبریز.....	۹
شکل ۸- نمای بدنه شرقی و ورودی خانه‌ها در شهرک شهید بهشتی تبریز.....	۹
شکل ۹- یک زمین خالی در داخل شهرک شهید بهشتی تبریز.....	۱۱
شکل ۱۰- مسیر اصلی شهرک شهید مسکونی تبریز.....	۱۲
شکل ۱۱- محوطه داخلی شهرک شهید بهشتی تبریز.....	۱۳
شکل ۱۲- وضوح ورودی‌های تعریف شده.....	۱۵
شکل ۱۳- هرم نیازهای مازلو.....	۴۰
شکل ۱۴- محله مسکونی رادبرن.....	۴۳
شکل ۱۵- نمودار فضایی قلمروهای سکونت.....	۵۳
شکل ۱۶- شهر تبریز و موقعیت سایت شهرک شهید بهشتی تبریز.....	۶۴
شکل ۱۷- سایت مورد نظر طراحی: شهرک شهید بهشتی تبریز.....	۶۴
شکل ۱۸- مجتمع مسکونی هبیتات ۶۷.....	۶۸
شکل ۱۹- تراس‌های واحدهای مسکونی مجتمع مسکونی هبیتات ۶۷.....	۶۸
شکل ۲۰- سایت پلان مجتمع مسکونی لیندن استراسه.....	۶۹
شکل ۲۱- حیاط مرکزی مجتمع مسکونی لیندن استراسه.....	۷۰
شکل ۲۲- سایت پلان محله مسکونی رادبرن.....	۷۱
شکل ۲۳- فضای سبز و مسیر سواره محله مسکونی رادبرن.....	۷۲
شکل ۲۴- مسیرهای پیاده در محله مسکونی رادبرن.....	۷۳
شکل ۲۵- محله مسکونی نارمک تهران و ۹۸ میدان کوچک و بزرگ آن.....	۷۴
شکل ۲۶- عکس هوایی از محله نارمک تهران.....	۷۵
شکل ۲۷- آلترناتیو اول.....	۸۱
شکل ۲۸- آلترناتیو دوم.....	۸۱
شکل ۲۹- آلترناتیو سوم.....	۸۲
شکل ۳۰- آنالیز مسیرهای دسترسی سایت مورد نظر.....	۸۳
شکل ۳۱- طراحی سایت پلان مجموعه.....	۸۴
شکل ۳۲- پلان کد ۰۱.....	۸۴
شکل ۳۳- پلان کد ۰۲.....	۸۵
شکل ۳۴- پلان کد ۰۳.....	۸۵
شکل ۳۵- پلان کد ۰۴.....	۸۶
شکل ۳۶- پلان کد ۰۵.....	۸۶

شکل ۳۷- پلان فضاهای خدماتی..... ۸۷

شکل ۳۸- برش - نمای مجموعه..... ۸۷

مقدمه

پیرو تحولات در محیط‌های مسکونی دوران معاصر و جایگزین شدن بافت‌های سکونتی جدید به جای بافت‌های قدیمی، نقش و جایگاه مجموعه‌های مسکونی، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار شده است. روند شکل‌گیری محله‌های مسکونی قدیمی که در طول دوره‌ای طولانی شکل گرفته بودند، به گونه‌ای بوده است که در پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی ساکنین از کارایی لازم برخوردار باشند. اما به نظر می‌رسد دگرگونی در عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی شهرها به طور عام و در محله‌ها به طور خاص، اثرات منفی قابل توجهی بر کارایی آنها در پاسخگویی به نیازهای ساکنین داشته است.

در این میان، برخی از محله‌های جدید و انسان‌ساخت که در محیط‌های شهری ساخته شده‌اند، با مشکلات جدی در زمینه فراهم کردن محیط‌های سکونتی مناسب برای ساکنین، روبرو هستند. یکی از این مشکلات، برنامه‌ریزی فضاهای سکونتی برای پاسخ به نیازهای روان‌شناختی افراد می‌باشد. شواهد نشان می‌دهند که محله‌های انسان‌ساخت جدید، در جهت پاسخ به این نیازها، طراحی مناسبی نداشته‌اند و امکان ایجاد آسیب‌های رفتاری مختلف به گروه‌های متفاوت سنی در این محیط‌ها زیاد می‌باشد. یکی از این نیازها، طراحی قلمروهای مورد استفاده ساکنین و برنامه‌ریزی این قلمروها برای تامین خلوت و تعاملات اجتماعی و هماهنگی بین این دو بوده و تامین این نیاز خاص، نقش موثری در کمک به ساکنین در جهت رسیدن به خودشناسی می‌باشد. عوامل مختلفی در محیط‌های مسکونی نظیر تداوم کالبدی-اجتماعی، هویت و شناسه، امنیت، خلوت و تعاملات اجتماعی و دسترسی‌های سواره و پیاده بر این قلمروها تاثیرگذارند.

هدف کلی از این تحقیق، تلاشی در جهت ارزیابی این عوامل در محیط‌های سکونتی، برای رسیدن به دستورالعمل‌های طراحی برای ساخت فضاهای مسکونی مطلوب در جهت پاسخ به نیازهای روان‌شناختی ساکنین می‌باشد. در روند این ارزیابی، تاکید بیشتر بر رابطه بین خلوت و تعاملات اجتماعی، که مکمل همدیگر هستند، خواهد بود و تاثیر این عوامل بر قلمروهای مختلف در محیط‌های سکونتی بررسی خواهد شد.

فصل ۱ - کلیات پژوهش

نیاز به مامن و سرپناهی برای زندگی فقط منحصر به انسان نیست. تمامی جانوران به واسطه نیاز به امنیت و در امان ماندن از عوامل مخاطره‌آمیز جوی و تهدیدات احتمالی دیگر جانداران با دغدغه سکونت (گرچه به شکلی ابتدایی) مواجهند. هدف نهایی زندگی هر انسانی فارغ از این مسائل، قرارگیری در مسیر رشد و اعتلا می‌باشد. تامین نیازهای مادی و غیرمادی انسان، رابطه مستقیم با رسیدن به این هدف دارد. از سوی دیگر، خانه یا سکونتگاه در تامین این نیازها، نقش موثری دارند. مسکن یکی از فاکتورهای اساسی تعادل و پابرجایی اجتماع انسانی می‌باشد و حافظ کيان خانواده و روابط بین اعضای آن است. داشتن مسکن مناسب مانند سایر نیازهای بشری از حقوق اولیه انسان‌هاست.

خانه یا سکونتگاه، نقش موثری در تامین و پاسخگویی به نیازهای مادی انسان، شامل نیازهای فیزیولوژیکی و زیست‌شناختی، دارد. غیر از این نیازهای مادی، نیازهای دیگری نیز وجود دارند که بخشی از آنها مانند نیازهای امنیت، تعلق و احترام در زمره نیازهای پایه، و نیازهای شناختی و زیبایی‌شناختی، جز فرایندها محسوب می‌شوند؛ که در پاسخ به این نیازها نیز نمی‌توان نقش موثر مسکن را نادیده گرفت. چنانچه به نظر می‌رسد، بسیاری از واحدهای سکونتی در پاسخ به نیازهای خاص مورد نظر، ناقص و ضعیف عمل می‌کنند. بر این اساس، ارتقای سطح کیفی فضاهای مسکونی و رساندن آن به حد مطلوب، ضرورتی انکارناپذیر می‌باشد.

۱-۱- بیان مسئله و ضرورت تحقیق

در دوران جدید، بطور کلی تغییر شیوه تولید و معیشت مردم باعث ایجاد شیوه نوین زندگی شده و این تغییر شرایط بر امر مسکن نیز تاثیرگذار بوده است. معماران به ناچار باید خود را با این تغییر شرایط تطبیق داده و این تطبیق با مشکلاتی در زمینه طراحی مسکن همراه بوده است.

در سال‌های اولیه قرن بیستم گروهی از متفکران اروپایی تلاش کردند مسایل شهری را بدون احتیاج به تغییرات اساسی اجتماعی حل نمایند. تونی گارنیه شروع به مطالعه شهر صنعتی نمود و نکته قابل توجه در مورد الگوی مسکن شهر صنعتی گارنیه، پیش‌بینی بلوک‌های آپارتمانی مجهز به خدمات عمومی بود که منعکس‌کننده نظریه «مجمع‌های مسکونی مجهز به خدمات عمومی اولیه» است. علاوه بر این، تفکرات لوکوربوزیه^۱ نیز تاثیر فراوانی بر تکامل مجمع‌های مسکونی گذارده‌است. به عقیده او، الگوی مسکن کم‌طبقه که به معنی زندگی در خانه و زمین شخصی بود، باعث هدر رفتن زمین می‌شد، در حالی که زندگی در ساختمان‌های بلندمرتبه‌ای که در میان فضای سبز پراکنده شده‌اند، راه‌حلی کارا تر و بهتر در برنامه‌ریزی کاربری زمین می‌باشد. (مانیاگو لامپونینی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵)

حرکت دیگری که در آغاز قرن بیستم گسترش پیدا کرد، خانه‌سازی برای گروه‌های کم‌درآمد اجتماعی به صورت کوی‌های مسکونی است. در این الگو بر خلاف شکل‌گیری سنتی ساختمان‌ها در کنار خیابان، بلوک‌های ساختمانی به صورت عمود بر راستای خیابان‌ها قرار می‌گرفتند. این گرایش یعنی «استقرار منطقی بناها» بر پایه نظریات شهرسازی، علاوه بر تامین محیط آرام، سعی در تامین نور و تهویه مناسب ساختمان‌ها از طریق احداث آنها در ردیف‌های موازی و تامین فضای باز و وسیع در بین بلوک‌های ساختمانی داشت. (عزیزی، ۱۳۸۶، ص ۲۹)

¹ Le Corbusier

بعد از جنگ جهانی دوم، نیازهای فوری سال‌های بعد از جنگ و توسعه تکنولوژی در اروپا منجر به آن شد که فرصت تعمق و بررسی دقیق در الگوی مسکن مناسب شهری وجود نداشته باشد. در این میان، اختصاص زمین به فضای باز و سبز و تامین خدمات کافی برای ساکنان مجموعه‌های آپارتمانی کاهش یافت و احداث مسکن بلندمرتبه با حداکثر تراکم شدت گرفت. در دهه ۱۹۷۰، با افول مکتب مدرنیسم، سبک جدیدی در شهرسازی و معماری ایجاد گردید که نقطه اوج این تفکرات نو، در بیانیه کنگره جهانی معماران در سال ۱۹۷۶ در ونکوور کانادا منعکس شد که بر خلاف منشور آتن با اختصاص دادن محور کار خود به طراحی مسکن و فضای باز به موارد زیر اتکا نمود:

- بایستی با ارتفاع کم، تراکم بالا به وجود آید.
- بایستی در طراحی مسکن به تامین فضای باز و سبز مناسب و مطلوب اهمیت بیشتری داد. (دلال پور محمدی، ۱۳۷۵، ص ۵۷۷)

تغییر شیوه تولید و معیشت مردم در شهر تبریز نیز الزاماتی را در زمینه طراحی مسکن به وجود آورده است. ساختمان‌های مسکونی در این شهر با توجه به تغییراتی که داشته‌اند، بطور نامناسبی نیازهای روان‌شناختی و رفتاری ساکنین را پاسخ داده‌اند. دلیل این امر شاید نبود مدیریت شهری مناسب و شناخت نامناسب معماران از شرایط تغییر یافته امروزی باشد. برای بررسی مشکلات خانه‌های مسکونی در ایران، ابتدا به توصیف و تجزیه مسائلی می‌پردازیم که برای تطبیق مناسب فضاهای مسکونی با شرایط زندگی عصر حاضر، باید رعایت شوند. رویکرد مورد نظر ناظر در اینجا، هماهنگی جنبه‌های انسانی و محیطی طراحی می‌باشد. از سوی دیگر، مشکلات زندگی در شهرهای بزرگ استفاده از مجموعه‌های متراکم تر و با برنامه‌ریزی و طراحی هماهنگ را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. توجه به عوامل انسانی موثر در برنامه‌ریزی و طراحی می‌تواند زندگی در مجموعه‌های مسکونی را ارتقا بخشد.

در دسته‌بندی عوامل انسانی - محیطی موثر در طراحی کالبدی مجموعه‌ها سه مقیاس عمده قابل تشخیص است.

۱. در مقیاس پیوند بیرونی مجموعه‌های مسکونی با محیط‌های مجاور؛ در این مقیاس یکی از مهم‌ترین مسائل، ایجاد تداوم و پیوند کالبدی - اجتماعی مجموعه‌ها با محیط اطراف و ایجاد هویت و شناسه محلی است.
۲. در مقیاس روابط درونی مجموعه‌ها و ارتباطات خارج از واحدهای مسکونی؛ در این مقیاس برقراری و ایجاد تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی، چگونگی برقراری و احساس امنیت، جهت‌یابی و دسترسی پیاده، دسترسی سواره و در نظر گرفتن توقف‌گاه‌های مناسب از مسائل مورد نظر طراحی هستند.
۳. در مقیاس واحدهای مسکونی؛ در این مقیاس روابط و نسبت فضاهای درونی مسکن و هماهنگی آنها با فرهنگ و سنت سکونت ساکنین مورد نظر طراحی است.

علاوه بر این اقلیم و صرفه‌جویی در مصرف انرژی در تمام این مقیاس‌ها، از جهت‌گیری ساختمان‌ها و طراحی محوطه

مجموعه‌ها تا مقیاس هم‌جواری واحدهای مسکونی از عوامل واجد اهمیت است. (عینی‌فر، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹)

شکل ۱- ناهمگونی بناهای بلندمرتبه مسکونی (مجموعه مسکونی برج‌های آسمان تبریز) با بافت شهری اطراف

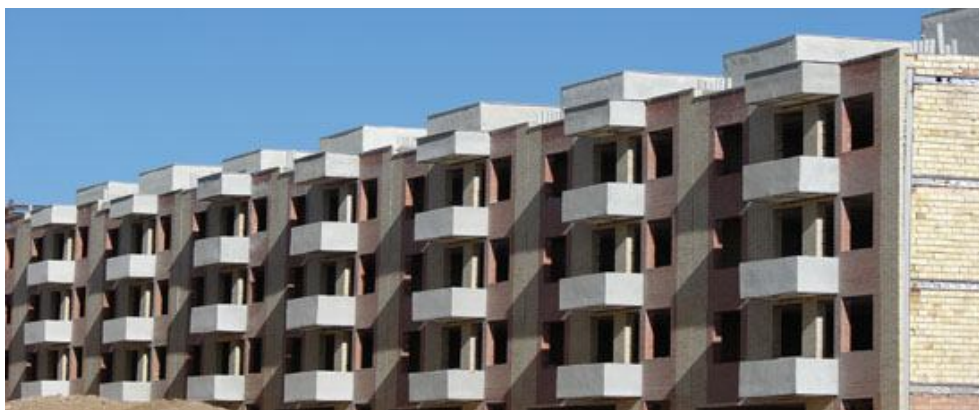


(مرجع: نگارنده) مجموعه مسکونی برج‌های آسمان تبریز

در شهر تبریز ناهمگونی کارکردی و بصری اغلب بناهای بلندمرتبه مسکونی ساخته شده اخیر با محیط‌های مسکونی اطراف مثالی از ناهمگونی کالبدی-اجتماعی مجموعه‌ها با بافت اطراف آنهاست. مجموعه‌های دیگری که با برنامه‌ریزی قبلی و پیش‌بینی‌های لازم بصورت ناحیه‌هایی از شهر تبریز و با مجموعه‌هایی هماهنگ در مناطقی از شهر ساخته شده‌اند، از این نظر مشکلات کمتری دارند. در مناطق کم‌تراکم حومه‌های شهری، در برخی موارد طراحی منظر و فضای سبز نسبت به فضای ساخته شده در فراهم‌آوردن این تداوم اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و طراحی واحدهای مسکونی تحت تاثیر طراحی محیط و منظر طبیعی قرار می‌گیرد. احداث ساختمان‌های بلندمرتبه در شهر به این مسئله بی‌توجه و یا کم‌توجه بوده‌است. (تصویر شماره ۱-۱)

برای دست‌یافتن به تداوم کالبدی میان مجموعه‌های جدید مسکونی که در گسترش شهرها و یا در بافت‌های موجود شهری طراحی و ساخته می‌شوند و برقراری پیوند آنها با بافت کالبدی موجود، ترکیب مناسبی از اجزا و رابطه‌ها شامل فرم، مصالح ساختمانی، رنگ، بافت و گشودگی‌های لازم در احجام ساختمانی و ایجاد محیط‌های باز مورد نیاز است. از یک سو همشکلی بیش از اندازه و تکرار واحدهای مسکونی همسان، منجر به یکنواختی و ایجاد تناقض با نیازها و شیوه‌های سکونت بوده و برای مردم ناخوشایند است و از سوی دیگر تداخل بدون برنامه‌ریزی مجموعه‌های مسکونی با تراکم و ویژگی‌های کالبدی متفاوت نیز می‌تواند بحث‌برانگیز باشد. (تصویر شماره ۲-۱)

شکل ۲- تکرار بیش از اندازه واحدهای مسکونی همسان منجر به یکنواختی



(مرجع: نگارنده) مجموعه‌های مسکن مهر شهر تبریز

با افزایش تراکم مجموعه‌های مسکونی، نسبت فضاهای سبز باز به فضاهای ساخته‌شده تقلیل می‌یابد، و واحدهای مسکونی در سطوح افقی ارتباط کالبدی نزدیک‌تری داشته و در ارتفاع گسترش می‌یابند. بنابراین در تراکم‌های بالاتر برای فراهم‌آوردن تداوم بصری، طراحی فضاهای ساخته‌شده اهمیت بیشتری می‌یابد. از سوی دیگر هر قدر کمیت فضاهای سبز و باز کمتر می‌شود، کیفیت طراحی آنها مهم‌تر می‌شود. در هماهنگی فضاهای سبز و فضاهای ساخته‌شده کنترل مقیاس انسانی ساختمان، دسترسی به نور طبیعی، ایمنی و امنیت، و خلوت و حریمیت نقشی اساسی دارند. مقررات و ضوابط تدوین‌شده در کشورهای مختلف جهت طراحی روابط بیرونی و درونی مجموعه‌های مسکونی در مواردی به شکل دستورالعمل و در مواردی دیگر بصورت توصیه‌های طراحی هستند. در شهرک شهید بهشتی شهر تبریز با توجه به تراکم کم مجموعه، هیچ توجهی به طراحی فضای سبز نشده‌است و تنها فضای سبز مجموعه، پارکی است که از وضعیت نامناسبی برخوردار است. (تصویر شماره ۱-۳)

شکل ۳- فضای سبز و پارک شهرک شهید بهشتی تبریز



(مرجع: نگارنده) تنها فضای سبز مجموعه که هماهنگی کالبدی و اجتماعی مناسبی را در سطح محله ایجاد نکرده است و از وضع نامناسبی برخوردار است.

باید توجه داشت که تداوم با محیط اطراف تنها شامل عوامل کالبدی نمی‌شود، بلکه عوامل فرهنگی و اجتماعی در ایجاد تداوم و هماهنگی مجموعه‌های مسکونی نقش اساسی‌تری دارند. در این خصوص، رویکردهای مشورتی یا مشارکتی که ارتباط مناسبی را بین افراد مختلف از طریق غیررسمی، یا از طریق مشارکت اجتماعی سازمان‌داده‌شده در فرایند طراحی فراهم می‌آورند، می‌توان راه‌حل میانه‌ای را برای طراحی بوجود آورد. این مشارکت معمولاً از طریق کارگاه‌های طراحی یا گروه‌های طراحی مجموعه‌های مسکونی کوچک و تعاونی‌های مسکن با حضور نمایندگان از ساکنین محلی انجام می‌پذیرد. در صورتی که ساکنین یک مجموعه از قبل مشخص نباشند، نیازهای تعمیم داده‌شده جمعیت‌های مشابه ملاک طراحی قرار می‌گیرند. به

هر حال برای ایجاد تداوم فرهنگی-اجتماعی با محیط بیرونی مجموعه‌ها، مطالعه و شناخت ویژگی‌ها و خواسته‌های ساکنین واقعی و بالقوه آنها یک ضرورت است. (عینی‌فر، ۱۳۷۹، ص ۱۱۱)

طراحی مسکن بصورت انبوه معمولا تنزل در کیفیت بیان هویت انفرادی واحدهای مسکونی را به همراه دارد. در زمینه مسکن، به ویژه از زمانی که مسکن چندواحدی و ساخت انبوه مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گرفته‌است، غالبا مزیت‌های ساخت و سازهای تکراری، نسبت به مشارکت ساکنین در برنامه‌ریزی و طراحی مجموعه‌های مسکونی حق تقدم داشته‌است. (تصویر شماره ۴-۱)

شکل ۴- طراحی نامناسب در مسکن انبوه و تنزل در کیفیت و نبود هویت و شناسه



(مرجع: نگارنده)

از سوی دیگر نیاز مردم به سرپناه در بسیاری از موارد امکان انتخاب و اظهار نظر در مورد طراحی را در اولویت‌های بعدی قرار داده‌است. همچنین کنترل‌های حاصل از برنامه‌ریزی و مالکیت مشاع ایجاد شناسه برای واحدهای مسکونی و امکان دخل و تصرف ساکنین را با مشکل مواجه می‌سازد. هویت و شناسه مجموعه‌های مسکونی به تمایز گروه‌های اجتماعی و افراد و به درک فضاهای اجتماعی که اشغال کرده‌اند، کمک می‌کند. هویت و شناسه می‌تواند «فردی» یا بر اساس ویژگی‌های «گروهی»، «مثبت» یا «منفی» باشد و می‌تواند علاوه بر مفاهیم اجتماعی از طریق بسیاری از مفاهیم غیرکلامی و محیطی از قبیل فرم واحدهای مسکونی نیز بیان شود. این امر در کشورهای مختلف تفاوت‌های فرهنگی زیادی دارد. در زبان فارسی مفهوم هویت بیشتر مثبت در نظر گرفته شده‌است، در حالیکه نقاتی از شهر یا بعضی از آثار معماری به دلیل یادآوری رویدادی خاص در زندگی اجتماعی مردم، می‌توانند هویت منفی نیز داشته‌باشند. محدوده مجموعه‌های مسکونی که می‌تواند محدوده‌ای سخت و یا نرم باشد، و همچنین نام این مجموعه‌ها در ایجاد هویت و شناسه موثر هستند. شناسه می‌تواند هم از طریق فراهم آوردن تنوع بیشتر در طراحی واحدهای مسکونی و هم با فراهم آوردن فرصت‌های بیشتری برای تغییرات و اضافات در طرح مسکن توسط خود ساکنین بدست آید. راه اول به دلیل کنترل بیشتر بر زیبایی ساختمان بیشتر مورد توجه طراحان است، ولی تصمیم‌گیری در مورد طراحی را بطور کامل در اختیار طراح قرار می‌دهد. در اغلب موارد به دلیل اینکه بین هنجارها و ارزش‌های مورد قبول طراحان و استفاده‌کنندگان در بیان تشخیص و ایجاد شناسه تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد، این راه حل نمی‌تواند بهترین راه حل باشد. راه حل دوم در عین اینکه می‌تواند منجر به طراحی‌های ناقصی شود که به امید مشارکت ساکنین در طراحی و تکمیل ساختمان، به شکل ناتمام رها شوند، از جهت افزایش کنترل ساکنین و کاهش اعمال نظر شخصی طراحان در ایجاد شناسه در بناهای مسکونی راه‌حلی مناسب است. از نظر عملی و اجرایی تعادلی بین این دو رویکرد که

متناسب با درخواست‌های مردم و قابلیت‌های مورد نیاز بازار مسکن باشد و توانایی طراحی و خلاقیت لازم را به طراحان بدهد، و در عین حال فرصت‌هایی را برای اعمال سلیقه فردی ساکنین فراهم آورد، مناسب به نظر می‌رسد. در مجموعه‌های مسکونی شهرهای تاریخی ایران در مقیاس کلان، این شناسه‌ها از طریق ترکیب عناصر مراکز مجموعه‌ها و محلات مسکونی در مسیر گذرهای شهر و در مقیاس خرد، از طریق طراحی و ساخت سردر منازل مسکونی در مسیر گذرها بوجود می‌آیند. معمولا بین منزلت اجتماعی ساکنین و کیفیت معماری عناصر مذکور تناسب لازم وجود داشت.

افزایش تنوع در طراحی فرم‌های ساختمانی می‌تواند تراکمی را که ادراک می‌شود تعدیل کند؛ اما در مقابل به دلیل قابلیت استاندارد شدن کمتر موجب افزایش هزینه‌های ساختمانی می‌شود. با بکارگرفتن گزینه‌های محدودی در طراحی نقشه واحدها، فرم‌ها و جزئیات ساختمانی، جهت‌گیری مناسب ساختمان‌ها، نماهای طراحی شده و طراحی اجزای ساختمانی می‌توان به تنوع مناسبی از فضاهای مسکونی دست یافت. فقدان این مسائل، همانند آنچه که در بیشتر مسکن شهر تبریز به ویژه در شهرک شهید بهشتی این شهر قابل مشاهده است، تشخیص هویت و شناسه را در محیط‌های مسکونی دچار مشکل می‌کند و موجب ایجاد هویت منفی، به عنوان مثال، حکایت داشتن از یک محله فقیرنشین می‌شود. طراحی نماهای خانه‌ها و انتخاب مصالح بطور نامناسبی انجام شده است. اجزای نما مانند درها و پنجره‌ها، بدون داشتن الگوی مناسب طراحی، فقط در بدنه محله نصب شده‌اند و با توجه به نگهداری نامناسب نماها، چهره زشتی به فضای محله داده است و این اتفاق، احتمال ایجاد آسیب‌های روان‌شناختی به افراد را افزایش داده است. (تصاویر شماره ۵-۱ و ۶-۱)

شکل ۵- نمای بدنه جنوبی شهرک شهید بهشتی تبریز



(مرجع: نگارنده)، نماهای طراحی نشده، نگهداری نامناسب محیط و غفلت از توجه به اجزای تشکیل‌دهنده نمای ساختمانی باعث ایجاد هویت و شناسه منفی در نما و فرم بنای مسکونی شده است

شکل ۶- نمای بدنه یکی از کوچه‌های فرعی شهرک شهید بهشتی تبریز



(مرجع: نگارنده) طراحی نامناسب اجزای ساختمانی در نما و نگهداری نامناسب، چهره زشتی به فضای محله داده‌است.

تمایز مقیاس‌های مختلف مجموعه‌ها از یکدیگر و ایجاد خوانایی و تنوع در فرم ساختمان‌ها، موجب تعدیل مقیاس مجموعه‌های بزرگ می‌شود. (عینی‌فر، ۱۳۷۹، ص ۱۱۲)

در طراحی مسکن، خلوت و ازدحام دو مفهوم متقابل هستند، تاکید بیش از اندازه بر خلوت می‌تواند موجب انزوا، و تعامل خارج از کنترل می‌تواند موجب از دست رفتن خلوت زندگی خصوصی شود. افزایش تراکم در شهر تبریز به عنوان یکی از کلانشهرهای کشور، خلوت و تعامل اجتماعی بین ساکنین یک مجموعه و مجموعه‌های اطراف را دچار مشکل ساخته‌است. این نگرانی‌ها در اثر تقلیل فاصله بین واحدهای مسکونی، فضاهای باز خصوصی محدودتر، استفاده از دیوارهای مشترک بین واحدهای مسکونی، افزایش ارتفاع ساختمان، افزایش شلوغی و آلودگی صوتی و اشراف به فضاهای خصوصی مسکن افزایش می‌یابد. در تراکم‌های متوسط و زیاد دیوارهای مشترک واحدهای مسکونی در صورت طراحی درست مزیت‌هایی نیز برای کنترل خلوت و اشراف دارند. تامین خلوت از طریق کنترل مزاحمت‌های بصری و صوتی اقدامی لازم ولی ناکافی است. (تصاویر شماره ۷-۱ و ۸-۱)

مطالعه رابطه انسان و محیط نشان می‌دهد که احساس خلوت بیشتر با کنترل انسان بر محیط زندگی خصوصی و احساس اختیار در برخوردهای متقابل اجتماعی بدست می‌آید. ایجاد تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی هم به وسیله مفاهیم کالبدی و هم مفاهیم فرهنگی-اجتماعی که زمینه‌های روانی لازم را ایجاد می‌نمایند میسر است. این تعادل در تعریف خلوت، «کنترل قابل انتخاب بر خویشتن و گروه خودی» بیان شده‌است. نیاز به خلوت در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و بین افراد در یک فرهنگ خاص نیز بسته به حالات روحی و وضعیت اجتماعی تفاوت‌هایی وجود دارد. به بیان دیگر شرایطی که برای یک فرد معنای خلوت دارد ممکن است برای فرد دیگری عین تنهایی و انزوا باشد؛ و شرایطی که برای یک فرد در زمان مشخصی «شلوغی» محسوب می‌شود ممکن است برای فردی دیگر یا همان فرد در موقعیت دیگری لذت‌بخش باشد.

فراهم آوردن شرایط برای کسب مفهوم خلوت به عنوان داشتن کنترل و اختیار، بجای انزوا، در طراحی مسکن نیاز به راه‌حل‌های قابل انعطاف دارد. علاوه بر مفهوم عمومی خلوت که تا حدودی در تمام فرهنگ‌ها وجود دارد، مفاهیم فقهی

محریت نیز در فرهنگ ما، محدودیت‌هایی را به موارد قبلی اضافه می‌کند. این محدودیت‌ها از مقیاس هم‌جواری مجموعه‌ها و واحدها تا تقسیمات داخلی واحدهای مسکونی قابل توجه است. اشراف و آلودگی صوتی که نکات مهم مورد نظر این احکام هستند تا حدودی در فرهنگ‌های دیگر نیز از محدودیت‌های طراحی می‌باشند. رعایت نکردن سلسله مراتب در طراحی محیط‌های مسکونی نیز از جمله عواملی است که می‌تواند به ایجاد خلوت بدست‌آمده در یک محله بستگی داشته باشد.

شکل ۷- مسیر اصلی سواره و پیاده شهرک شهید بهشتی تبریز



(مرجع: نگارنده)، نبود میان‌فضا بین ورودی‌ها و مسیر اصلی مجموعه و از بین رفتن کنترل افراد ساکن بر ورودی خانه

شکل ۸- نمای بدنه شرقی و ورودی خانه‌ها در شهرک شهید بهشتی تبریز



(مرجع: نگارنده)، ارتباط مستقیم بین مسیر سواره و فضای خصوصی خانه‌های مسکونی موجب عدم کنترل ساکنین بر ورودی خانه‌هایشان شده‌است.

در بسیاری از ضوابط تدوین شده طراحی موارد فوق از مباحث اساسی هستند. در مقیاس مجموعه‌ها، یکی از روش‌های وجود آوردن کنترل بر خلوت زندگی فراهم آوردن سلسله‌مراتبی تعریف شده از فضاهای باز «عمومی»، «نیمه خصوصی» و «خصوصی» است که مانع ایجاد مزاحمت از سوی غیر ساکنین باشد و فضاهای واسطه مابین واحدهای مسکونی و فضاهای مشترک دسترسی را تامین کند. هرچه امکان کنترل بیشتر برای ایجاد قلمرو خصوصی به ساکنین داده شود احتمال دست‌یافتن به خلوتی بهینه بیشتر می‌شود.

در مقیاس همجواری واحدهای مسکونی در شهر تبریز، برای تعریف فضاهای باز خصوصی، علاوه بر استفاده از مصالح غیرمنعطف و دیوارهای خشک بنایی، استفاده از مصالح و فرم‌های سبک‌تر و اقتصادی‌تر و کاشت گیاهان مناسب نیز امکان‌پذیر است. موانع متحرک مثل سایبان‌های عمودی قابل نصب و دیوارهای حایل، زمینه انتخاب‌های بیشتری را فراهم می‌آورند. جایگیری درست عملکردهای داخلی مسکن می‌تواند از انتقال صدای فضاهایی مثل حمام و دستشویی، آشپزخانه، محل قرارگیری ماشین لباس‌شویی، اتاق نشیمن خانواده به فضاهای آرام خانه مثل اتاق پذیرایی، اتاق خواب و اتاق مطالعه یا کار جلوگیری کند. در حالی که ایجاد فاصله موثرترین راه‌حل جلوگیری از صداهای مزاحم به نظر می‌رسد، ولی با توجه به اینکه در تراکم‌های بالا فضاهای واسطه به حداقل می‌رسند، موانع مصنوعی و طبیعی مثل دیوارها، شکستگی‌های زمین، ایجاد فضاهای سبز فشرده نزدیک به واحدها و شیشه‌های ثابت یا دوجداره در این زمینه جایگزین‌های موثری هستند. محل اتاق‌هایی مثل خواب و مطالعه و دیگر محیط‌های آرام خانه باید تا حد امکان از فضاهای خارجی واحدهای مسکونی و مجموعه‌ها دور باشد. (عینی‌فر، ۱۳۷۹، ص ۱۱۲)

افزایش جرائم و چگونگی توزیع آن در محیط‌های شهری، ساکنین شهرها را بطور فزاینده‌ای نسبت به امنیت زندگی در شهرهای بزرگ و پرجمعیت نگران کرده‌است. افزایش در تراکم مسکونی می‌تواند بر امنیت ساکنین اثرات مثبت و منفی داشته‌باشد. تمرکز ساکنین و مراجعه‌کنندگان از یک سو می‌تواند مزاحمت‌های بالقوه‌ای را ایجاد کند و از سوی دیگر می‌تواند امکان مراقبت و کنترل ساکنین بر رفتارهای ناهنجار اجتماعی را میسر سازد. در حالی که ناهنجاری‌های اجتماعی در محیط‌های شهری بیشتر به مشکلات اجتماعی عام‌تر مربوط می‌شود تا به گونه‌های مجموعه‌های مسکونی و تراکم، تحقیقاتی که تاکنون در کشورهای غربی انجام شده نتایج متفاوت و متناقضی را نشان می‌دهند. بعضی از این تحقیقات حاکی از آن است که، در مجموعه‌های پرتراکم آمار جرائم شخصی و سرقت بالاتر است. این در حالی است که همین تحقیقات نشان می‌دهند که، بسیاری از مجموعه‌های پرتراکم مسکونی، افراد مسن و تنها را که از جرائم اجتماعی هراس دارند بیشتر به خود جلب می‌کنند. به هر حال نتایج این مطالعات به دلیل اینکه در شرایط اجتماعی خاص انجام شده‌اند به آسانی قابل تعمیم به شرایط اجتماعی - فرهنگی کشورهای دیگر نیستند. نمونه‌ای که در مورد تامین امنیت در مجموعه‌های مسکونی می‌توان به آن اشاره کرد، فضای پارکینگ شهرک مسکونی شهید بهشتی در شهر تبریز می‌باشد. ساکنین با وجود اینکه شهرک، یک پارکینگ در حاشیه خود دارد، به دلیل ترس از دزدیده شدن اتومبیل‌ها، آنها را در یکی از زمین‌های خالی داخل مجموعه پارک می‌کنند و از زمینی که قرار هست ساخته‌شود به عنوان پارکینگ حتی بصورت موقت استفاده می‌کنند. (تصویر شماره ۱-۹)

شکل ۹- یک زمین خالی در داخل شهرک شهید بهشتی تبریز



(مرجع: نگارنده)، استفاده از یک زمین خالی در داخل مجموعه به عنوان پارکینگ.

جنبه‌های روانشناختی احساس امنیت در محیط‌های مسکونی باید در هر فرهنگی به درستی مطالعه و شناخته شوند. این جنبه‌ها تحت تاثیر شماری از عوامل از قبیل ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی ساکنین، میزان دسترسی فیزیکی برای مزاحمین بالقوه، تعریف و کنترل حریم و قلمرو مسکن، میزان مراقبت از مسیرهای دسترسی و دیگر مکان‌هایی که از طریق آنها امکان مزاحمت وجود دارد می‌باشند. در حالی که در نقش طراحی در اصلاح مسائل اجتماعی نباید اغراق کرد، ولی به هر حال طراحی به همراه مدیریت و مشارکت اجتماعی ساکنین مراقبت و حفظ امنیت مناطق مسکونی را با موفقیت بیشتری همراه خواهد کرد. تعریف حریم و قلمرو یکی از مهمترین نکات طراحی مسکن است، و در جهت فراهم آوردن خلوت و امنیت نقش مهمی را ایفا می‌کند. کنترل قلمرو، در اختیار گرفتن فضا از طریق تعریف محدوده‌ای خاص است. قلمرو می‌تواند خصوصی (مثل فضاهای باز خصوصی واحدهای مسکونی)، نیمه‌خصوصی (مثل محوطه‌های مشاع داخلی و خارجی در مجموعه‌های چند واحدی) و عمومی (مثل فضاهای باز خیابان‌ها و پیاده‌روها) باشد. در حالی که قلمرو خصوصی مسکن معمولاً تعریف شده و کنترل شده است و نگهداری آن خوب انجام می‌شود، قلمرو نیمه‌خصوصی اغلب مبهم بوده و به شکل ضعیفی کنترل و نگهداری می‌شود. با افزایش تراکم مسکونی معمولاً فضاهای باز خصوصی هر واحد تقلیل پیدا کرده و زندگی مردم از جهت همجواری کالبدی فشرده‌تر می‌شود، در نتیجه تعریف روشنی از حریم و قلمرو در طراحی فضاهای مسکونی اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد. تقابل‌های ناخواسته اجتماعی بین ساکنین می‌تواند در اثر ابهامی که از تعریف ضعیف قلمروهای خصوصی و نیمه‌خصوصی ایجاد می‌شود افزایش یابد. از طرف دیگر تعریف روشن قلمرو و حریم می‌تواند به افزایش شناسه، خلوت و امنیت کمک کرده و تقابل‌های اجتماعی و مشکلات همسایگی را تقلیل دهد. (عینی‌فر، ۱۳۷۹، ص ۱۱۳)

با افزایش ساخت مجموعه‌های بزرگ و متراکم ساختمانی، طراحی دسترسی مناسب پیاده برای ساکنین و میهمانان اهمیت روزافزونی یافته‌است. در فضاهای مسکونی شهر تبریز، طراحی مسیرهای پیاده، معمولاً بدون برنامه‌ریزی انجام می‌شود. نمونه این امر، مسیرهای پیاده شهرک شهید بهشتی می‌باشد. در مسیر دسترسی پیاده‌ها، عملکردهای دیگری مثل خیابانی برای اتومبیل‌ها و همچنین پارکینگ برای ماشین‌ها و موتورسیکلت‌ها ایجاد شده‌است. (تصویر شماره ۱-۱۰)

شکل ۱۰- مسیر اصلی شهرک شهید مسکونی تبریز



(مرجع: نگارنده)، تداخل عملکردهای سواره و پیاده بصورت نامطلوبی اتفاق افتاده است.

تداخل این عملکردها، خطرات روان‌شناختی مثل آلودگی‌های صوتی و بصری و همچنین خطرات فیزیکی و جانی مثل تصادفات در پی دارد. در مجموعه‌ها، علامت‌گذاری‌ها و نام‌گذاری‌های درست، جهت‌یابی را تسهیل می‌کنند. برای به وجود آوردن خوانایی بیشتر، احساس ورود، جهت‌یابی و سلسله‌مراتب دسترسی در مجموعه‌ها، باید تمهیداتی در زمینه برنامه‌ریزی محوطه، طراحی منظر، فرم واحدهای مسکونی، قرارگیری بناهای عمومی محلی، جزئیات ساختمانی و نورپردازی محوطه انجام پذیرد. در شهرک شهید بهشتی، طراحی محوطه و فضای محله به گونه‌ای است که ساکنین فقط باید از مسیرها عبور کنند و عملکردهای دیگری مانند محل‌های نشستن یا فضاهای بازی‌پذیر برای کودکان و فضاهای دور هم نشستن سالمندان وجود ندارد. (تصویر شماره) یکی از نیازهای اولیه برای جهت‌یابی مناسب اجتناب از ابهام برای مراجعین و ساکنین با فراهم‌آوردن مجموعه‌هایی با ورودی کاملاً مشخص است. یک ورودی قوی با نشانه‌ای روشن بین محدوده مجموعه‌ها و محیط اطراف تمایز ایجاد می‌کند، در عین حال به عنوان یک «مانع نمادین» در مقابل افراد ناخواسته به حفظ امنیت مجموعه کمک می‌کند. (تصویر شماره ۱-۱۱)

شکل ۱۱- محوطه داخلی شهرک شهید بهشتی تبریز



(مرجع: نگارنده)، نبود عملکردهای مفید و ضروری در طراحی محوطه محله مانند فضاهای بازی پذیر برای کودکان و فضاهای دور هم نشستن برای سالمندان

قابل رویت بودن و سادگی مسیرهای دسترسی پیاده با تلفیقی از فرم ساختمانی، طراحی منظر و علامت‌گذاری‌های ساده و خوانا که مراجعه‌کنندگان را برای پیدا کردن واحدهای مسکونی به جهت‌های اصلی هدایت کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

باید از ایجاد مسیرهای پیاده با نقاط تصمیم‌گیری گنگ اجتناب کرد، مگر اینکه علائم جهت‌دهنده روشنی مسیرها را معرفی کنند. در مجموعه‌های بزرگ‌تر، جهت‌یابی با فراهم آوردن زیرگروه‌های کوچک‌تر مسکونی و سلسله‌مراتب مسیرهای پیاده قابل تشخیص می‌تواند تسهیل شود. از ایجاد ابهام بین ورودی‌های اصلی و فرعی و جلو پشت ساختمان باید اجتناب کرد. این نوع تقسیم دسترسی مسیرهای پیاده‌ای را ایجاد کرده که تماماً بدون استفاده باقی مانده و تنها دسترسی به ورودی خدماتی خانه‌ها را تأمین می‌کند. فرم ساختمان باید واحدهای مسکونی را از یکدیگر قابل تشخیص سازد؛ و طراحی متنوع ورودی‌ها با ایجاد هویتی واحد برای هر واحد مسکونی راهنمای ساکنین و مراجعین باشد. ورودی‌های طراحی نشده برای مسیرهای پیاده در محیط‌های مسکونی، خوانایی فضا و هویت این مسیرها را دچار مشکل می‌سازد و باعث تداخل عملکردهای مختلف در این فضاها خواهد شد. (عینی‌فر، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵)

در حالی که تقلیل وابستگی به وسایل حمل و نقل شخصی می‌تواند یکی از اهداف توسعه شهرها باشد، به نظر می‌رسد که در آینده نزدیک استفاده از این وسایل به دلیل فراهم آوردن استقلال فردی و انعطاف‌پذیری در استفاده، کماکان بخش مهمی از